



سه شنبه 13 خرداد 1393 - 07:17

هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود

گذر زمان با نسیان همراه است تا آدمی داغ ها را فراموش و مصیبت از دست دادن عزیزان را تاب آورد. اما برخی وقایع و انسان ها مغلوب گذر زمان نمی شوند و تاریخ را یارای آن نیست که غبار فراموشی بر یاد آنان بنشانند، چرا که آنان خود خالق تاریخ هستند.

گذر زمان با نسیان همراه است تا آدمی داغ ها را فراموش و مصیبت از دست دادن عزیزان را تاب آورد. اما برخی وقایع و انسان ها مغلوب گذر زمان نمی شوند و تاریخ را یارای آن نیست که غبار فراموشی بر یاد آنان بنشانند، چرا که آنان خود خالق تاریخ هستند.

امام خمینی از آن دست مردان بود که تاریخ ساز شد و هر چه زمان می گذرد، عظمت وجودی این مرد خدا آشکارتر می شود و چه می توان گفت از آن که ابراهیم زمان خود شد و بت شرق و غرب را شکست. او که در پرده حجاب معصرت بود و هنوز مانده است تا اوج ارتفاع این قله ایمان و استقامت، فهم و درک شود.

اگر روزی عده ای «عصر خمینی» را تعارف و شعار می پنداشتند، اینک باید از خواب غفلت برخیزند و ببینند که چگونه تئوری های پایان تاریخ و برخورد تمدن ها به دیوار خداجویی انسان معاصر خورده و فرو ریخته اند و رهنمودهای پیر جماران یکی پس از دیگری در حال تحقق است و برای اهل حق عجیب نیست که عصر، عصر غلبه مستضعفین بر مستکبرین است.

گویی امروز و در این پیچ تاریخی، بیش از هر زمان دیگری نیاز به بازخوانی و مکاشفه در اندیشه های آن مرد خدایی داریم. چه کسی گمان می کرد نسخه مبارزاتی «قیام لله» که 70 سال پیش توسط طلبه ای در قم نوشته می شود، نه تنها طومار سلطنت را در هم می پیچد که استکبار و استعمار را نیز به چالشی عظیم می کشد!

طلبه ای که جز برای خدا قیام نکرد و هرگز جز از خدا نهراسید و آن هنگام که ماه های پایانی عمر پربرکت خود را می گذراند نیز، چنان سخن می گفت و قلم به دست می گرفت که گویی چریکی جوان و دست بر ماشه، از سنگری در اعماق جنگل یا قلل کوهستان از آرمان خواهی و مبارزه می گوید!

زمانی غرب در تلاش های مذبوحانه خود برای قلب حقیقت، در عملی مضحک، آیات جهاد را از قرآن جدا کرد و گفت؛ این قرآن برای بشر و زندگی امروز مناسب است! آری! قرآن بدون جهاد و مبارزه و ظلم ستیزی، قرآن بی خطری است و برای همه خوب است. همان اسلام آمریکایی که سال ها پیش امام راحل درباره آن هشدار و زنهار دادند. اسلامی شیک که مبادی آداب مناسک است و حتی از نوافل و مستحبات و عرفان نیز غافل نیست اما میانه ای با مبارزه ندارد.

چه زیبا گفت سید شهیدان اهل قلم که: «امام «ره» به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است» و این بزرگترین پیام او بود، و پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده می دارد همین است که برای ظهور آخرین حجت حق مبارزه کنیم. امام «ره» ما را آموخت که «عرفان را با مبارزه جمع کنیم» و خود بهترین شاهد بود که بر این مدعا که عرفان عین مبارزه است، و از این پس دیگر چه داعیه ای می ماند برای آنان که عرفان را به مثابه امری کاملاً شخصی بهانه واماندگی خویش می گرفتند؟ او کتاب و سنت را در وجود خویش تفسیر کرد و مجهولات شریعت و طریقت را با مفتاح مبارک حیات خویش گشود و ما می دانستیم که جهاد اصغر شرط لازم جهاد اکبر است و اولیای مقرب خدا در تمام طول تاریخ همواره بر همین شیوه زیسته اند.»

آنان که امروز پشت نقاب مصلحت و عقلانیت و منافع، تسلیم و سازش با استکبار را ترویج و تئوریزه می کنند خیانت کارند و به راستی سازش و تسلیم در کجای جغرافیای فکری امام جای داشت؟ پس چه عجب اگر برای توجیه راه خود و نسبت دادن آن به حضرت امام، به خواب و خاطرات خیالی استناد و امام منهای مبارزه را تصویر و تبلیغ کنند!

راه امام، راه انبیاء است و میراث امام انقلاب و موج بلندی است که امروز دامنه آن به هزاران فرسنگ دورتر از مرزهای جمهوری اسلامی رسیده و پشت استکبار و صهیونیسم را لرزانده است. فرزندان معنوی روح الله در لبنان اسطوره شکست ناپذیری رژیم اسرائیل را شکسته اند و اگر پرچم سبز و سرخ امام نبود، امروز سوریه نیز زیر چکمه آمریکایی ها قرار داشت.

امروز جز مبارزه یا تسلیم، راه سوم و میانه ای نیست. ربع قرن از عروج ملکوتی روح خدا می گذرد اما راه و خط امام روشن

است. روح ما در ازل با او پیمان بسته است و بر سر این پیمان استوار است. اویی که وقتی علم مبارزه برداشت و اطرافیان پرسیدند به پشتوانه کدامین یاران، فرمود؛ سربازان من در گهواره ها هستند. اینک نیز نسل جوانی که پس از او پا به عرصه وجود گذاشتند، استوارتر و مصممتر بر این راه و خط ایستاده و به پیش می روند و بر لب زمزمه دارند؛

هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود

هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

تا ابد سر نکشد وز سر پیمان نرود

آن چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت

که اگر سر برود از دل و از جان نرود

« اکنون، این ماییم و امانت او . دست بیعت از آستین اخلاص برآریم و در کف فرزند و برادرش بگذاریم که اگر بعد از رحلت رسول الله ظهر حکومت اسلام به غروب خونین شهادت حسین بن علی و «شب بی قمر غیبت» انجامید ، این بار امام فرصت یافت تا وثیفه حکومت را به معتمدین خویش بسپارد و این خود نشانه‌ای است بر این بار بشارت که خداوند اراده کرده است تا حزب الله و مستضعفین را به امامت و وراثت زمین برساند.»

آنان که بر استواری این بیعت و پیمان شک دارند، فردا نظاره‌گر سیل فدائیان رهبری و مشتاقان روح الله در حرم ملکوتی‌اش باشند.